

برنامه‌واین رادیواست که دارم می‌میرد و از بین می‌رود. یکی از ضربه‌ها ظهور فیس بوک و دیگر شبکه‌های اجتماعی بود، جایی که خیلی راحت و به‌صورت رایگان می‌توان اخبار را منتشر کرد. موضوع دیگر پنج برابر شدن قیمت آگهی برای هر کلمه بود، از یک افغانی به پنج افغانی یا حدودا شش دلار و پنجاه سنت برای هر ۱۰۰ کلمه. بعد ویروس کرونا آمد و منع عبور و مرور گرد همایی‌های بزرگ را در پی داشت. آمار مرگ و میر به شکل غمناکی اوج گرفت و ولی حاصلی برای آگهی‌های رادیویی به همراه نداشت. ناقوس مرگ این برنامه رادیوی زمانی به صدا درآمد که دیوارکشی‌های حفاظتی آغاز شد. مجموعه صدا و سیما ی ملی افغانستان و سفارت آمریکا در کنار هم قرار دارند. در طول دهه گذشته منطقه دیپلماتیک کابل با دیوارهای حفاظتی و ایست‌های بازرسی بسیار پیچیده و محدود شده است به طوری که مردم به سختی می‌توانند به رادیو بیایند. حدودا سه سال پیش رادیو مجبور شد که پیشخوان دریافت آگهی‌های فوت را جابه‌جا کند. سابقا «بخش دریافت آگهی‌های مرگ» چسبیده به سفارت آمریکا بود که درحال حاضر به‌بخش غربی صدا و سیما ی ملی افغانستان منتقل شده است و رادیو بارها اطلاع داده است که ورودی آن درحال حاضر از خیابان چهاردهم است. ولی مردم همچنان راه را گم می‌کنند. در بیشتر مواقع اقوام متوفی زمانی به مکان جدید دریافت آگهی می‌رسند که برنامه پایان یافته است. درحالی که بیش از یک ساعت به دنبال پیشخوان دریافت آگهی در میان ماریچی از دیوارهای محافظتی و ایست‌های بازرسی چرخیده‌اند. امروزه نوع جدیدی از تغییر رژیم در صدا و سیما ی ملی افغانستان درحال وقوع است. مدیر جوان جدیدی که از بی.بی.سی آمده درحال تلاش برای مدرن کردن رادیو و تلویزیون است. او مشغول ارتقا دادن پهنای باند تلویزیون به ۴ دی، آموزش مجدد روزنامه‌نگاران با محصولات جدید و در تلاش برای بردن این موسسه قدیمی به دوره جدیدی با دوربین‌های بدون سرنشین و استفاده موثر و بهینه از موبایل است. اسماعیل میخایل، مدیر جدید می‌گوید: «من تلاش می‌کنم تا صدا و سیما ی ملی افغانستان را برای نسل جوان بازسازی کنم.» آقا عزیز که حالا چهل و دو ساله است همچنان صبح‌ها زودتر از بقیه شهر بیدار می‌شود و قبل از رفتن به پیشخوان دریافت آگهی مرگ برای خواندن نماز صبح، ساعت ۴ به مسجد می‌رود. او ماهیانه ۱۸۵ دلار با احتساب اضافه‌کاری دریافت می‌کند. معمولا و پیشخوان را باز بسته می‌کنند بدون اینکه مورد جدیدی در دفتر ثبت شود. ولی آقازکی که منتظر باز نشستگی است، می‌گوید: «چرا به شکوه و عظمت گذشته نجسیم؟ به هر حال زمان در این استودیو ترکیب محوی از پیروزی و ترادی است. چه عیبی دارد اگر کمی هم حاشا کنیم؟» آقازکی نفس عمیقی می‌کشد و برق امید در چشمانش دیده می‌شود. به آرامی می‌گوید: «مردم هنوز در بعضی نقاط مانند روستاها و کوه‌ها و ده‌ها به رادیو گوش می‌کنند چون این زبان یک ملت است.» □

مروری بر ناامنی در افغانستان

[شهرود] تاریخ افغانستان در صدسال گذشته تاریخ تلخ و پرکشتاری بود. مردم بسیاری در این سال‌ها جان‌شان را بر سر منازعات قدرت طلبان از دست دادند. افغانستان از اقوام مختلفی تشکیل شده است و با مذاهب متفاوت. هر کدام از آنها نیروهای اجتماعی و قدرتی دارند که گاه آنها را در مقابل هم قرار داده است. اما بیش از همه نام این کشور سال‌هاست که با نام گروه طالبان گره خورده است. الهام حسین‌خانی در مقاله «امنیت افغانستان و مسأله قدرت‌یابی طالبان» که در فصلنامه تخصصی علوم سیاسی منتشر شده توصیفی از شرایط این کشور در طول سال‌ها جنگ و ناامنی می‌دهد. او می‌گوید اقوام مختلف به دلیل در اختیار داشتن سلاح، نیروی دوچاندنی پیدا می‌کنند و هر کدام در پی کسب قدرت در این کشور بوده‌اند. در میان اقوام این کشور پشتون‌ها همواره قدرت مرکزی را در دست داشته و دیگر اقوام در بازی‌های سیاسی دولتی کمتر شرکت داده شده‌اند. در بخشی از این مقاله آمده است: «افغانستان در تاریخ خود هم حکومت‌های پادشاهی، حکومت کمونیستی، طالبان بنیادگرا و نظام جمهوری اسلامی را تجربه کرده است. افغانستان در دوره طالبان دچار وضع بغرنج شد و صادرکننده تروریسم در جهان شد، به‌طوری که آمریکا در نهایت به این کشور حمله و حکومت طالبان را ساقط کرد و تنها پس از آن بود که دولت جمهوری اسلامی در این کشور توسط اقوام مختلف و البته در رأس آنها پشتون‌ها ایجاد شد. اما از سال ۲۰۰۱ تاکنون کشمکش‌ها در این کشور ادامه دارد به‌طوری که قدرت دولت کابل تنها تا اطراف همین شهر برد دارد و در سایر نقاط نمی‌تواند قدرت خود را به طور کامل اعمال کند.» در چنین شرایطی بود که طالبان دوباره قدرت گرفت، بر بخش‌هایی از کشور حاکم شد و این کشور هنوز هم روی آرامش به خود ندیده است. مذاکرات صلح و سازش آمریکا و دولت کرزای با طالبان میانه‌رو باعث شد آنها در قدرت شریک شوند. در بخش دیگری از این مقاله درباره دوران قدرت‌گیری دوباره طالبان آمده است: «در قدرت گرفتن دوباره نیروهای اصلی معارض دولت افغانستان یعنی طالبان نباید تنها به ظرفیت‌های آنان بسنده کرد یا حتی پشتیبانی‌های پاکستان از این گروه را عامل اصلی قدرت‌گیری مجدد آنان دانست و نیز سیاست‌های گاه متعارض آمریکا در حمایت از دولت افغانستان و مذاکره با طالبان را مدنظر قرار داد.» این مقاله می‌گوید باید وضعیت داخلی جامعه افغانستان را هم در نظر گرفت: «شکل قومی جامعه افغانستان را باید در میان این عوامل عامل اصلی دانست که شکاف‌های قومی را دامن می‌زند و از ایجاد امنیت به وسیله دولت جلوگیری می‌کند. قدرت‌یابی دوباره طالبان نوین در داخل افغانستان به جز شرایط قومی افغانستان که قدرت نیروهای مختلف را که اینک با یکدیگر در جدال به دست گرفتن سهم بیشتری از قدرت هستند شکل می‌دهد، به وابستگی سیاسی-امنیتی، قاچاق مواد مخدر، ضعف اقتصادی، فساد اداری، بی‌اعتمادی مردم به دولت افغانستان، بحران مشروعیت دولت و بیش از همه کندی روند انجام دولت-ملت‌سازی برمی‌گردد.»



قبرستان کابل □



محمد آقازکی □

روایت «محمد آقازکی» از ۴۲ سال اجرای برنامه‌اش در رادیوی افغانستان که آگهی فوت می‌خواند

شنوندگان مرگ

[راضیه نعمتی تبار] در طول دهه‌ها کودتا، اشغال و جنگ بی‌پایان، افغانستانی‌ها هر روز صبح ساعت ۷ عصر به‌اساعت ۴ و ۵ دقیقه رادیوی خود را بر روی موج رادیو افغانستان تنظیم می‌کردند تا اسامی افرادی را بشنوند که اخیرا فوت شده‌اند.

به گزارش نیویورک تایمز یکی از صداهایی که اغلب از این رادیو شنیده می‌شد صدای محمد آقازکی بود که بیشتر از ۴۲ سال در خبرگزاری دولتی مشغول به کار بوده است. در طول خدمتش در رادیو، همکار او ضیاءالدین عزیز بود. ضیاءالدین همواره با عجله اعلامیه‌های فوتی را که مردم از طریق دریچه کوچک پیشخوان «آگهی‌های فوت» به رادیو تحویل می‌دادند به آقازکی می‌رساند. آقازکی امروز صبح درحالی که نیمه خواب بود در راه روی آقا عزیز باز کرد و پرسید: «آگهی‌های امروز را آوردی؟» در محوطه بیرونی رادیو افغانستان پرنده‌ها چچه می‌زدند و نور ملایم روز جدید بلندی‌های درختان کاج را در برگرفته بود. آقا عزیز با نوعی حس بی‌تفاوتی همراه با ناامیدی گفت: «نه.» هفته‌ها بود که آنها آگهی فوتی دریافت نکرده بودند. تنها چهار آگهی در ۴۰ روز درحالی که قطعاً آمار فوت‌شدگان بیش از این‌ها بوده است.

گوینده سال‌خورده و باتجربه، با وجود اینکه شب‌ها در دفتر خبر روی مبل می‌خوابید اما بیدار شدنش از خواب شبیه جشنی بود که دهه‌ها تکرار شده است؛ بالش و مبل، با گذر زمان شکل بدن او را گرفته، گود افتاده و فرسوده شده بود. پشت میز بزرگی بر روی دیوار ۳۰۰ عکس با عنوان «گویندگان گرامی از دیروز تا امروز» قرار گرفته است. بعضی فوت‌کرده‌اند و بسیاری در خارج از کشور هستند. عکس سیاه و سفید آقازکی هم که شروع کارش در رادیو به زمانی باز می‌گردد که دانشجوی بیست ساله رشته ادبیات بوده، روی دیوار قرار دارد. عکسی قدیمی که چهاره‌وا را با سیبل سیاه و موهای کاملاً شانه شده نشان می‌دهد. حالا آقازکی در همین اتاق با ریش‌های سفیدی که تا سینه‌اش می‌رسد و چشمانی خسته در کنار عکسش حضور دارد. در این اتاق، زمان محو می‌شود و تاریخ به‌عنوان مجموعه‌ای از خبرهای دور افتاده از مردم، خود را آشکار می‌کند. وقتی آقازکی داستان‌ش را تعریف می‌کند گویی سال‌ها بر روی این مبل در انتظار بوده و زمانی سرشار از احساس شعف می‌شود که کسی با شتاب او را برای گفتن خبر جدیدی به پشت میکروفن ببرد. او اواخر سال ۱۹۷۹ وقتی رئیس جمهوری مورد حمایت کمونیست‌ها کشته شد، فرد دیگری به قدرت رسید که از رئیس جمهوری ترور شده قبلی به‌عنوان فرزند و دست نشانده آمریکای امپریالیست یاد می‌کرد. او داستان‌ش را این‌گونه آغاز می‌کند: «من دراز کشیده بودم که یک مقام رسمی به رادیو آمد و به من دستور داد تا این خبر را بخوانم.» آقازکی با صدای گویندگی اخبار متن را به یاد می‌آورد و این‌گونه اجرا می‌کند: «دومین مرحله از انقلاب دموکراتیک ملی با موفقیت به انجام رسید.» آقازکی می‌گوید در دهه ۱۹۹۰ که مجاهدین



بنجره استودیو به خیابان‌های کابل باز می‌شود □